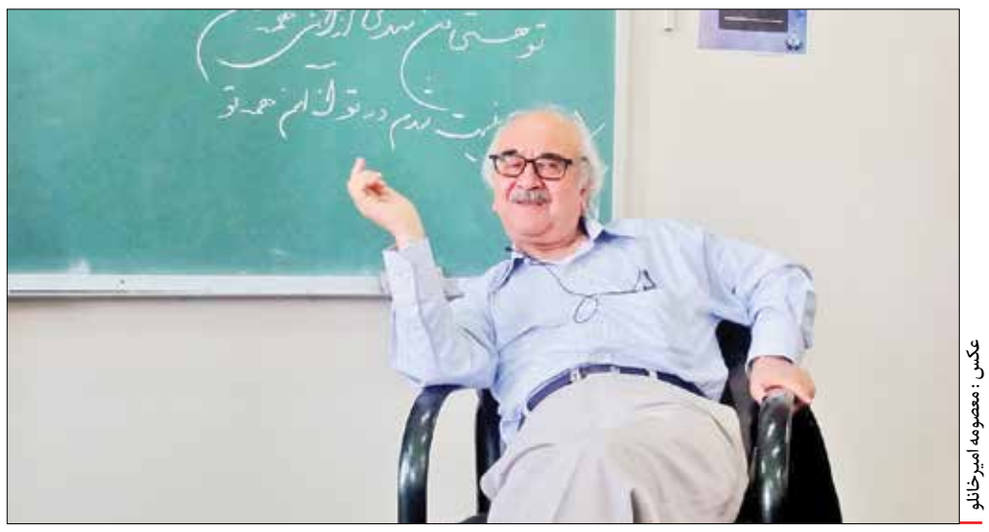
نگاه زلال خراسانی

گفت‌وگو با بهرام پروین گنابادی

به مناسبت زادروز محمدرضا شفیعی کدکنی



عکس: معصومه امیرخانلو

شاعران معاصر

غزل رضایی ثانی
گروه کتاب

محمدرضا شفیعی کدکنی تنها یک شاعر یا پژوهشگر نیست؛ او حلقه اتصال سنت خراسانی با شعر مدرن فارسی است، کارنامه او تصویری چندوجهی از فعالیت‌هایش در شعر معاصر فارسی، پژوهش، ترجمه و مقاله‌های غنی است که راه ارتباط آن با دل مخاطب، همان قلم رسا و روانی است که تنها از شفیعی کدکنی برمی‌آید. امروز هشتادوششمین زادروز استاد موسیقی شعر است، کسی که شعر و پژوهش را با هم پیوند داد و از آن یک میراث ادبی ماندگار ساخت. به همین مناسبت با بهرام پروین گنابادی، پژوهشگر ادبیات فارسی و استاد دانشگاه درباره شخصیت و آثار شفیعی کدکنی گفت‌وگو کرده‌ایم. گنابادی آثار شفیعی کدکنی را خوشایند نسل امروز می‌داند و اهمیت تصحیح‌ها و پژوهش‌های شفیعی کدکنی را به اندازه اشعار او قلمداد می‌کند.

از نظر شما اشعار شفیعی کدکنی چه ویژگی‌هایی دارند، یا به تعبیر دیگر پررنگ‌ترین خصلت شعری او چیست؟

هر شاعری در طول حیات شاعری خود، دوره‌های مختلفی را پشت سر می‌گذارد و شعر دکتر شفیعی کدکنی نیز از این قاعده مستثنی نیست. مثلاً در دهه‌های چهل و پنجاه، شعر شفیعی کدکنی اثری برآمده از عمق جامعه و پر از احساسی ناب و صادقانه است که خواننده از همان نخست با شعر او ارتباط خوبی برقرار می‌کند. آن تمثیل‌ها، تصویرها و استعاره‌هایی که در این دوره از اشعارش به کار رفته، ریشه در جان طبیعت ایران و اقلیم خراسان دارد و مخاطب را مجذوب خود می‌کند. اما در دوره‌های بعدی و سروده‌های سال‌های پس از انقلاب، شعر شفیعی کدکنی به سوی پختگی و فرهیختگی خاصی گرایش پیدا می‌کند. در این دوره دوم، گویی شاعر از دل فرهنگ و تمدن ایران بیرون آمده و جنبه فرهیختگی و بینامتنی آن افزایش می‌یابد. گذار از شور و عاطفه در شعر، به سمت فرهیختگی، تأمل و گستردگی ابعاد بینامتنی، بارزترین دگرگونی زیست شاعرانه شفیعی کدکنی به حساب می‌آید.

جایگاه شفیعی کدکنی در شعر معاصر فارسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شعر معاصر شاخه‌های گوناگونی دارد، اما اگر بخواهیم جایگاه ویژه دکتر شفیعی کدکنی را با دقت تبیین کنیم، باید بگوییم که یک جریان شاخص از شعر تمثیلی نیمایی معاصر، کاملاً متعلق به او است. شعر او جدا از سروده‌های سنتی و غزل‌های استوار، جریانی تمثیلی است که از نگاهی بسیار عمیق و پراحساس به طبیعت سرچشمه می‌گیرد؛ دقیقاً همان نگاه زلالی که شاعران سبک خراسانی به طبیعت دارند. در واقع، این پیوند ژرف میان عناصر طبیعت، فرهنگ و تاریخ ایران است که شالوده شعر تمثیلی شفیعی کدکنی را می‌سازد. از یک سو، شعر نو او (شعر نیمایی) بسیار فنی، ظریف و دقیق است، از سوی دیگر، زبان تمثیلی و بیانی که بسیار نزدیک به سهل و ممتنع است، سبب شده شعر استاد شفیعی کدکنی در اعماق ذهن و زبان مردم نفوذ پیدا کند. به همین دلیل سروده‌های متعددی از او در جامعه قبول خاطر یافته و رواجی گسترده پیدا کرده است. برای مثال می‌توان به شعر مشهور «گون و نسیم» اشاره کرد که یک گفت‌وگو و مناظره تمثیلی درخشان به شمار می‌رود و مستقیماً از سنت قدیمی مناظره در شعر کهن فارسی ریشه می‌گیرد، اما با زبانی تازه و حسی زنده با جامعه سخن می‌گوید. همچنین قطعه معروف «حسرت نبرم به خواب آن مرداب / کارام درون دشت شب خفته‌ست / دریایم و نیست باکم از طوفان / دریا همه عمر خوابش آشفته‌ست» شعری بی‌نظیر، فرمالیستی و یکی از کامل‌ترین قطعات در شعر معاصر ماست. این شعر با تمام پیچیدگی‌ها و ساختاری که دارد به طرزی شگفت‌انگیز در حافظه جمعی اهل ادب و عموم مردم جا باز کرده است. این مقبولیت عام در کنار چند غزل ماندگار دیگر، به روشنی نشان می‌دهد که هم احساس قوی شاعر و هم ویژگی‌های فنی و دقیقی که در شعر به کار رفته، او را تبدیل به یکی از شاعران برجسته و مهم عصر معاصر ما کرده است.



دکتر شفیعی کدکنی و همچنین زنده‌یاد دکتر غلامحسین یوسفی، جزو نخستین کسانی بودند که در دهه پنجاه، ما را با شعر عربی و ادبیات عرب آشنا کردند

جدا از ساحت شعر، پژوهش‌های سترگ دکتر شفیعی کدکنی در زمینه تاریخ ادبیات و تصحیح متون ادبی از چه جایگاهی برخوردار هستند؟

کارنامه تحقیقاتی دکتر شفیعی کدکنی را اگر بخواهیم در یک کلمه تعریف کنیم، باید بگوییم بی‌نظیر است؛ به‌راستی بی‌نظیر است و نه حتی کم‌نظیر. آثار تحقیقی او را می‌توان در چند حوزه دسته‌بندی کرد؛ نخست، کتاب‌های تألیفی اوست؛ شاهکارهایی مانند «صور خیال در شعر فارسی» و «موسیقی شعر» آثار ویژه‌ای هستند. کتاب «صور خیال» در اواخر دهه چهل به نگارش درآمد، اما اکنون پس از گذشت بیش از پنج دهه، همچنان درخشان‌ترین منابع پژوهشی است.

این ماندگاری ناشی از چند عامل است: نخست، تسلط همزمان و کامل او بر دو زبان زنده پژوهشی یعنی عربی و انگلیسی است که در حد کمال از آنها استفاده می‌کند. عامل دوم، نگاه بسیار تیزبینانه و پژوهشی و سوم، ذوق و درک او از شعر فارسی و داشتن یک حافظه دقیق است.

تفاوت عمده او با سایر نویسندگان ادبی در چیست؟

تفاوت اساسی نثر علمی دکتر شفیعی کدکنی با سایر پژوهشگران در این است که او دشوارترین مباحث نظری و ادبی را با زبانی فوق‌العاده ساده و روان روایت می‌کند، طوری که نشان می‌دهد همه این موارد در ذهنش حل شده‌اند. این باعث شده تحقیقات دشوار زبان فارسی وقتی با زبان روان و رسای شفیعی کدکنی آمیخته می‌شود، تبدیل به یک متن ادبی خوشخوان شود. وقتی «اسرار التوحید» در دهه ۶۰ به تصحیح او با ۲۰ سال تلاش بی‌وقفه، منتشر شد، خیلی از کسانی که خودشان را نوگرا می‌دانستند و مخالف این نوع آثار بودند هم نتوانستند زبان به تحسین نگشایند. شفیعی کدکنی در تصحیح هم بی‌نظیر است؛ مثلاً تصحیح‌های «اسرار التوحید»، «تذکرة‌الاولیا» و کل آثار عطار، تصحیح‌هایی نمونه است که به دقت بسیار بالایی نوشته شده، طوری که چاپ کتاب را به یک اثر هنری تبدیل می‌کند.

بخش مهم دیگر از تحقیقات شفیعی کدکنی، تک‌نگاری‌هایی است که در مورد تصوف خراسان و شاعرانی مانند سنایی، عطار و انوری نوشته شده است. این آثار، نسل جدید را با شعر فارسی پیوند داده، ضمن اینکه مقدمه‌های آن به قدری جامع هستند که نسل جدید و غیرمتخصص به شعر فارسی را آگاه‌تر و دلبسته‌تر می‌کند. او چند اثر نیز در نقد شعر معاصر دارد؛ کتاب «ادوار شعر فارسی» که حاصل درس‌گفتارهای او در دانشگاه تهران بود و سپس اثر گرانسنگ «با چراغ و آینه» است. او راهگشای پژوهشگران برای درک چگونگی تجدد ادبی در شعر فارسی به شمار می‌رود و به نسل بعد از خود نشان داد برای شناخت این تجدد باید به دنبال چه سرنخ‌هایی در شعر فارسی گشت.

شفیعی کدکنی در عرصه ترجمه و پیوند با ادبیات منطقه، به‌ویژه جهان عرب، چه ردپایی از خود به جا گذاشتند؟

یکی از گام‌های بسیار مهم و اثرگذاری که از اواخر دهه پنجاه برداشته شد، معرفی نوگرایی و شعر مدرن جهان عرب به جامعه ادبی ایران بود. دکتر شفیعی کدکنی و همچنین زنده‌یاد دکتر غلامحسین یوسفی، جزو نخستین کسانی بودند که در دهه پنجاه، ما را با شعر عربی و ادبیات عرب آشنا کردند. زنده‌یاد یوسفی کتاب «گزیده‌ای از شعر عربی معاصر» محمدمصطفی بدوی را ترجمه کردند و دکتر شفیعی کدکنی نیز کتاب «شعر معاصر عرب» را به رشته تحریر درآورده است.



میان شعر و تحقیق

شفیعی کدکنی توانسته میان دانستن و سرودن رابطه‌ای واقعی برقرار کند



معصومه امیرخانلو
دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

اگر شفیعی کدکنی را فقط به عنوان شاعر بخوانیم، بخشی مهم از جایگاه او در ادبیات معاصر ایران را نادیده گرفته‌ایم؛ و اگر او را فقط در مقام پژوهشگر، مصحح و استاد دانشگاه بشناسیم شاید از فهم سرچشمه‌ای که به بسیاری از پژوهش‌های او جان بخشیده است، باز بمانیم. اهمیت شفیعی کدکنی دقیقاً در همین همنشینی کم‌نظیر شعر و تحقیق است؛ در اینکه شاعر و محقق در آثار او نه دو شخصیت جدا، بلکه دو شیوه متفاوت برای مواجهه با زبان و ادبیات‌اند. تازه‌ترین دفتر شعر او، «رها در زنجیر»، از این منظر اثری درخور تأمل است. این مجموعه که در سال ۱۴۰۵ منتشر شده، عمدتاً از شعرهای کوتاه تشکیل شده است؛ شعرهایی که بسیاری از آنها در وزن آزاد سروده شده‌اند و گاه در چند کلمه تمام می‌شوند. اما کوتاهی این شعرها را نباید با سادگی آنها یکی دانست. شعر کوتاه اگر شعر باشد، حاصل کم‌گویی نیست؛ حاصل انتخاب و حذف آگاهانه است.

شفیعی کدکنی شاعری نیست که با زبان و امکانات شعر فارسی ناآشنا باشد و به همین دلیل به کوتاهی روی آورده باشد؛ برعکس، او پس از دهه‌ها مطالعه و تجربه شعر فارسی، به مرحله‌ای رسیده است که می‌تواند بسیاری از چیزها را نگوید و همچنان شعر را کامل نگه دارد. در «رها در زنجیر» گاهی یک تصویر، یک مکث یا حتی یک واژه، جای توضیحی طولانی را می‌گیرد. بنابراین، شاید ارزش اصلی این کتاب را نه در این پرسش که «آیا از مجموعه‌های پیشین شفیعی کدکنی بهتر است یا نه» بلکه در پرسشی دیگر باید جست‌وجو کرد: شفیعی کدکنی در این مرحله از شاعری، از شعر چه چیزی را ضروری می‌داند و چه چیزهایی را می‌تواند حذف کند؟



عنوان کتاب نیز برای من از همین جهت جالب است: «رها در زنجیر». ترکیبی که در خود نوعی تناقض دارد؛ رهایی در کنار اسارت. شاید بتوان آن را به خود شعر نیز تعمیم داد: شاعر، خود را به محدودیت واژه، ایجاز و سکوت می‌سپارد و از دل همین محدودیت به آزادی بیشتری در معنا و تخیل می‌رسد. در شعرهای کوتاه، آنچه گفته نمی‌شود گاهی به اندازه آنچه گفته می‌شود اهمیت دارد. از این منظر، عنوان «رها در زنجیر» صرفاً یک نام شاعرانه نیست بلکه می‌تواند نوعی بیانیه زیبایی‌شناختی برای مجموعه باشد.

برای فهم این وجه از شعر شفیعی کدکنی، باید به نیمه دیگر کارنامه او، یعنی آثار پژوهشی‌اش نیز توجه کرد. «صور خیال در شعر فارسی» یکی از مهم‌ترین آثار اوست؛ پژوهشی گسترده درباره تخیل و تصویر در شعر فارسی که همچنان در مطالعات مربوط به این حوزه جایگاه مهمی دارد. در «موسیقی شعر» نیز شفیعی کدکنی به یکی از بنیادی‌ترین مسائل شعر، یعنی موسیقی و کیفیت صوتی زبان پرداخته است. «ادوار شعر فارسی»، «زبان شعر در نثر صوفیه»، «رستاخیز کلمات» و شماری دیگر از آثار او نیز نشان می‌دهند دغدغه اصلی او در پژوهش، شناخت سازوکار شعر و زبان در بستر تاریخی و فرهنگی آنهاست.

بخش مهم دیگری از کارنامه او به تصحیح متون کلاسیک و عرفانی مربوط می‌شود؛ از «اسرار التوحید» گرفته تا آثار عطار و دیگر متون عرفانی. اهمیت این کارها تنها در تصحیح یک متن و مقابله نسخه‌ها نیست. شفیعی کدکنی با این آثار، بخشی از میراث ادبی و عرفانی فارسی را دوباره در دسترس خواننده امروز قرار داده و در عین حال نشان داده که برای فهم شعر معاصر نیز باید با ریشه‌های تاریخی و زبانی آن آشنا بود.

به نظرم یکی از ویژگی‌های مهم شفیعی کدکنی همین است که پژوهش او از شعرش جدا نیست. او درباره خیال تحقیق کرده و خود شاعری خیال‌پرور است؛ درباره موسیقی شعر نوشته و در شعرهایش به موسیقی کلمات حساس است؛ در متون عرفانی و صوفیانه سال‌ها تأمل کرده و زبان و جهان عرفان در بخشی از شعر او حضور دارد. از این منظر، میان شفیعی کدکنی پژوهشگر و شفیعی کدکنی شاعر، دیواری وجود ندارد. آنچه او در پژوهش درباره شعر می‌آموزد، در شعر تجربه می‌کند و آنچه در مقام شاعر تجربه می‌کند، گاه در مقام پژوهشگر به پرسش درمی‌آورد. به همین دلیل، شعر او را نمی‌توان جدا از دانش گسترده‌اش درباره ادبیات فارسی خواند.



شاید «رها در زنجیر» نیز ادامه همین مسیر باشد؛ مسیری که در آن، شاعر پس از سال‌ها زیستن با شعر فارسی، به سوی نوعی فشردگی و ایجاز حرکت کرده است. در اینجا دیگر لازم نیست شاعر همه آنچه را می‌داند به زبان بیاورد. دانش ادبی او پشت شعر ایستاده است، اما خود را به رخ نمی‌کشد.

این شاید یکی از تفاوت‌های مهم میان «شعر دانسته‌شده» و «شعر زیست‌شده» باشد. شفیعی کدکنی سال‌ها شعر را مطالعه کرده، اما مهم‌تر از آن، شعر را زیسته است. از همین رو، پژوهش و شاعری در کارنامه او دو مسیر جداگانه نیستند؛ دو شیوه برای نزدیک‌شدن به یک جهان‌اند: جهان زبان و شعر فارسی. در سالروز تولد شفیعی کدکنی، شاید به جای تکرار صفت‌هایی چون «بزرگ» و «ماندگار»، بهتر باشد به همین ویژگی توجه کنیم: او از معدود چهره‌های معاصر ماست که توانسته میان دانستن و سرودن رابطه‌ای واقعی برقرار کند. در کار او، تحقیق فقط سخن گفتن درباره شعر نیست و شعر نیز صرفاً احساس و الهام نیست. هر کدام به دیگری عمق می‌دهد.

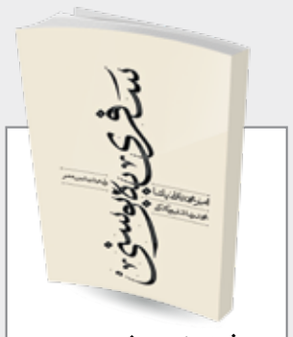
شاید به همین دلیل است که هنوز انتشار یک دفتر تازه از شعرهای او برای جامعه ادبی اتفاقی قابل توجه است. «رها در زنجیر» نیز بیش از آنکه صرفاً دفتر تازه‌ای از یک شاعر شناخته‌شده باشد، فرصتی است برای دیدن اینکه شاعری با این پشتوانه علمی و ادبی، در سال‌های پختگی خود، چه چیزهایی را هنوز برای گفتن ضروری می‌داند و از چه چیزهایی می‌تواند بگذرد.

سفر به تمدن‌ها

سفری به بوسنی امیرمحمدعلی پاشا گزارشی خواندنی و دقیق از تجربه سفری در یک قرن پیش است

کتاب «سفری به بوسنی» سفرنامه‌ای به قلم امیرمحمدعلی پاشا ولیعهد پیشین مصر است که از زبان عربی به فارسی ترجمه شده، ترجمه این کتاب توسط محمدرضا شفیعی کدکنی بنا به یک اتفاق شخصی رخ داد. شفیعی کدکنی در پیش‌گفتار کتاب این‌گونه تعریف می‌کند که، فرزندش برای انجام یک کار تحقیقاتی در مقطع دکتری در یکی از دانشگاه‌های خارج از کشور، موظف شده بود، چند سطری درباره این کتاب بنویسد، اما به دلیل آشنایی اندک او با زبان عربی، خود تصمیم به ترجمه کتاب می‌گیرد. پس از ترجمه کتاب، این اثر از نگاه شفیعی کدکنی شیرین به نظر می‌آید و از آنجا که نسخه دیگری به زبان فارسی نداشته، تصمیم به چاپ آن می‌گیرد و در نهایت کتاب «سفری به بوسنی» توسط انتشارت سخن منتشر می‌شود. در قسمت «درباره مؤلف» مختصری از زندگی امیرمحمدعلی پاشا و معرفی کوتاهی از آن می‌خوانیم؛ جوان محصلی که به همراه برادرش شاهزاده عباس در اطریش تحصیل می‌کردند، اما بعد از فوت پدرشان توفیق پاشا، به وطن‌شان قاهره برمی‌گردند. سپس از سوی سلطان عثمانی فرمانی صادر شد که برادر بزرگ‌تر، یعنی شاهزاده عباس به عنوان امیر تخت فراعنه (یعنی فرمانروای مصر) برگزیده شود. امیر محمدعلی پاشا در سال ۱۸۷۵ در قاهره به دنیا آمد و در اروپا تحصیل کرد، او مسلط به زبان‌های فرانسه، آلمانی و انگلیسی بود. محمدعلی پاشا شخصیت مهمی برای حکومت بود، به نوعی که در بسیاری از مذاکرات حضور داشت و یکی از اشخاص مهمی بود که در میزبانی‌ها، خدیو مصر را همراهی می‌کرد. محمدعلی پاشا سرانجام در هجدهم مارس ۱۹۵۵ در لوزان سوییس چشم از جهان فرو بست و در مقبره خانوادگی‌اش در قاهره دفن شد.

در مقدمه مؤلف، نویسنده پس از ستایش خداوند و ستودن پیامبر اسلام(ص)، به این نکته اشاره می‌کند که آن‌قدر به سرزمین‌های اروپایی سفر کرده و آنها را درنوردیده که از تماشای آنها خسته شده، اما با این همه دست از سیاحت نمی‌کشد. او تلاش می‌کند آنچه را در سفرهایش به‌عنوان تجربه به دست آورده با مخاطب در میان بگذارد؛ سفرهایی که تنها به توصیف معماری‌ها، صنایع دستی و ابعاد تاریخی بسنده نمی‌کند، بلکه فراتر رفته و از فرهنگ عامه مردم سخن می‌گوید و دریچه‌ای نو از سبک زندگی آن منطقه را به تصویر می‌کشد. از همین روست که می‌گوید سفر به بوسنی و هرزگووین برایش در اولویت بوده است؛ چرا که تعریف‌های فراوانی از آن سرزمین شنیده و خود نیز به سرزمین‌های شرقی علاقه‌ای بسیار داشته است. کتاب «سفری به بوسنی» گزارشی خواندنی و دقیق از تجربه یک سفر در دوران اوایل عصر مدرن و دوره قاجار است که با لحنی روایی و توصیفی نگاشته شده است. شاه‌کلید این اثر، روایت تمدنی دیرینه است؛ تمدنی که نویسنده، با توجه به علاقه‌اش به ریشه‌های تمدن‌ها، در پی شناخت آن برمی‌آید و از همین رو سفری هیجان‌انگیز به بوسنی را آغاز می‌کند. روایت نویسنده به بیش از صد سال پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که سفر با درشکه و قطار امری رایج بود. بنابراین مخاطب باید انتظار داشته باشد که نویسنده از دشواری‌های مسیر زمینی نیز بگوید.



سفری به بوسنی
- نویسنده: امیرمحمدعلی پاشا
- مترجم: محمدرضا شفیعی کدکنی
- انتشارات: سخن
- تعداد صفحات: ۱۱۹ صفحه
- قیمت: ۳۹۰۰۰ تومان

ترجمه کتاب، تسلط دقیق و روشن شفیعی کدکنی به زبان عربی را نشان می‌دهد، او توانسته عبارت‌هایی که معادل آن در فارسی وجود ندارد را به نوعی قابل درک به مخاطب انتقال دهد. مترجم سعی کرده در عین حال که متن را به فارسی برمی‌گرداند به لحن کتاب نیز وفادار باشد. شفیعی کدکنی در ترجمه این اثر کوشیده قالب اصلی کتاب و نشانه‌های تاریخی آن را حفظ کند و متن را به زبان عامیانه امروز برنگرداند. از این‌رو، خواننده با مطالعه کتاب می‌تواند درک روشن‌تری از دوره‌ای پیدا کند که نویسنده اثر را، در آن نوشته است. ترجمه کتاب به لحاظ ساختار جملات بسیار موفق است. متن روان است و خواننده در حین خواندن دچار سکته و یا ابهام نمی‌شود.

نویسنده کتاب قرار است مسافت طولانی را برای رسیدن به بوسنی از سر بگذراند، اما آنچه کتاب را جذاب می‌کند این است که او از نظاره به توقف‌های کوتاه و نوشتن درباره جزئیات آن‌ها، نمی‌گذرد. او از قریه‌های کوچکی روایت می‌کند که پیش از رسیدن به بوسنی از آنها دیدن کرده است، از خرمن‌کوبی و گلّه‌بانی گرفته تا لباس و زیرآلات زنان. محمدعلی پاشا روایت می‌کند که در یکی از قریه‌ها زنان مسلمان، لباسی شبیه عبا می‌پوشند و برقع می‌زنند و چکمه‌های بلند به پا می‌کنند.

نویسنده تا انتها با نگاه ریزبین خود از کوچک‌ترین سنت‌ها و فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مردم بوسنی و تمام قریه‌ها و شهرهایی که در مسیر خود طی کرده، غافل نمی‌ماند و انتقال این ظرایف با ترجمه بی‌نظیر محمدرضا شفیعی کدکنی خواندنی‌تر می‌شود.

به تماشای جهان

نگاهی به رها در زنجیر تازه‌ترین دفتر شعر محمدرضا شفیعی کدکنی

در منظومه سترگ ادبیات معاصر ایران، هر بار که نام محمدرضا شفیعی کدکنی بر جلد کتابی تازه می‌نشیند، مخاطبان زیادی که شیفته شعر و قلم او هستند را به سوی خود جذب می‌کند. تازه‌ترین دفتر شعر او با عنوان «رها در زنجیر» که در سال ۱۴۰۵ از انتشارات سخن به چاپ رسید، فصلی تأمل‌برانگیز در کارنامه ادبی این چهره شاخص فرهنگ ایران است. شفیعی کدکنی که همواره پیوندی ناگسستنی با سنت‌های اصیل شعری داشته، در این اثر رویکردی نو در پیش گرفته و دفتری را پیش روی خوانندگان گشوده که از حیث ساختار و فرم، متمایز از سایر آثار اوست. این کتاب مجموعه‌ای از اشعار کوتاه در وزن آزاد است که هر کدام به تنهایی جهانی مستقل اما کامل را به تصویر می‌کشند. شفیعی کدکنی در مقدمه کتاب این‌گونه عنوان می‌کند که «این شعرهای کوتاه، که غالباً در وزن آزاد شکل گرفته است، هر کدام به جای خود یک شعر کامل است. به همین دلیل مفصل‌ترین آنها یک صفحه را در عمل اشغال کرده است.» گرچه این اشعار کوتاه هستند اما پرمغز و روانند. طبق آنچه که شاعر اشاره کرده، حتی با دو کلمه شعر می‌توان آن حسّ واقعی را به مخاطب انتقال داد.

کتاب با شعری به نام «رها در زنجیر» آغاز می‌شود، شعری که نام اصلی کتاب را به خود گرفته و یا شاید این شعر بوده که نامش روی جلد کتاب، به زیبایی نشسته است. قطعه «رها در زنجیر» نشانه پارادوکسی درخشان و تناقضی آشکار است. شاعر در این قطعه می‌سراید: «وقتی که در زلال صدایت، رها رها، از هر غم و غباری تطهیر می‌شوم/ احساس می‌کنم/ چون ماهی‌ام، میانه جویی، در آفتاب/ در موج‌ها رها و به زنجیر می‌شوم». این تصویر از رهایی در عین اسارت یا آزادی در زنجیرهای خودخواسته، تضادی ادبی و عمیق را به نمایش می‌گذارد که ریشه در تجربه‌های زیسته شاعر دارد. اشعار این مجموعه همگی از ویژگی‌های مشترک و درخشانی چون ایجاز، ابهام و تصویرسازی برخوردارند.

البته نگاه اجتماعی او که در تمام دهه‌های فعالیتش چون رودی خروشان جریان داشته است، نمی‌توان در این مجموعه نادیده گرفت. شفیعی کدکنی همواره شاعری اجتماعی بوده و در این دفترنیز بازتاب دغدغه‌های جمعی او را می‌توان به وضوح مشاهده کرد.

اگر بخواهیم نگاهی به پیشینه او داشته باشیم، محمدرضا شفیعی کدکنی با نام مستعار م. سرشک، نخستین مجموعه شعری خود را در سال ۱۳۴۴ با نام «زمزمه‌ها» منتشر کرد و تا به امروز که «رها در زنجیر ۱۴۰۵» به چاپ رسیده است، کارنامه‌ای پربار و حکایت‌گر از سال‌ها انس با ادبیات را رقم زده است. این کارنامه شامل آثار شکوهمندی همچون «شبخوانی ۱۳۴۴»، «زمزمه‌ها ۱۳۴۴»، «از زبان برگ ۱۳۴۷»، «در کوچه باغ‌های نیشابور ۱۳۵۰»، «مثل درخت در شب باران ۱۳۵۶»، «از بودن و سرودن ۱۳۵۷»، «بوی جوی مولیان ۱۳۵۶»، «هزاره دوم آهوی کوهی ۱۳۷۶»، «طفلی به نام شادی ۱۳۹۹»، «رباعیاتی از نیشابور ۱۴۰۲» و «نامه‌ای به آسمان ۱۴۰۲» است. او اگرچه بیشتر در قالب سپید و نیمایی شعر سروده، اما ماندگاری آثارش بیش از هر چیز در غزل‌ها و قطعه‌های کوتاه عروضی دیده می‌شود که پیوند میان سنت و نوگرایی را به بهترین شکل ممکن برقرار کرده است.



رها در زنجیر
- نویسنده: محمدرضا شفیعی کدکنی
- انتشارات: سخن
- تعداد صفحات: ۴۳۰ صفحه
- قیمت: ۱۳۵۰۰۰ تومان

جایگاه شفیعی کدکنی در عرصه تصحیح و نقد ادبی نیز چنان رفیع است که منتقدان ادبی او را «مرد همه فن حریف ادبیات معاصر» می‌دانند. او از سال‌های ۱۳۶۰ به بعد، پژوهش‌های خود را با رویکرد تصحیح متون ادبیات عرفانی متمرکز کرد. استاد بر این باور است که حرکت به سوی مدرنیته بدون شناخت عمیق سنت، دشواری‌های خاص خود را دارد و تاریخ‌گرایی او اگرچه فاقد یک پشتوانه تئوریک تصنعی است، اما همواره بر مستندسازی دقیق با اتکا به متون تاریخی پای‌بند است. این مسیر برای کسی که با تکیه بر استعداد ذاتی از مکتب و مدرسه راهی دانشگاه مشهد و سپس دانشگاه تهران شد، دستاوردی شگفت و دور از ذهن نیست. کتاب‌هایی همچون «صور خیال در شعر فارسی»، «موسیقی شعر»، تصحیح «اسرارالتوحید» نوشته محمد بن منور بن ابی‌سعد بن ابی‌طاهر بن ابی‌سعید میهنی و تصحیح «تاریخ نیشابور» نوشته حاکم نیشابوری، تنها بخشی از این میراث گرانبهاست که باید آن را ارج نهاد.

در نهایت باید یادآور شد که استاد محمدرضا شفیعی کدکنی در مهر ۱۳۹۸ نشان عالی هنر برای صلح را در هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی هنر برای صلح دریافت کرد. همچنین شهرت جهانی او به گونه‌ای است که شعر «سفر به خیر» از مجموعه «در کوچه باغ‌های نیشابور» به قلم این شاعر نامی بر دیوار شهر «لیدن» هلند نقش بسته است. این اتفاق به ما یادآور می‌شود که شعر، مرز نمی‌شناسد و انسان‌های زیادی از اقصا نقاط جهان، مخاطب اشعار شفیعی کدکنی و بسیاری از آثار شاعران فقید ایرانی هستند.